

قرآن و غایت‌گرایی اخلاقی

a.hoseini@isca.ac.ir

سیدعلی اکبر حسینی رامندی / استادیار گروه تفسیر، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۰۹ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۰

چکیده

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که قرآن کریم چگونه مخاطبان خود را به رعایت الزامات اخلاقی فراخوانده و نظریه‌هنجاری خود را بر چه پایه‌ای قرار داده است؟ نویسنده به روش کیفی، با توصیف و تحلیل مفاهیم اخلاقی قرآن به نتایج زیر دست یافته است. قرآن کریم برای ترغیب مخاطبان به زندگی اخلاقی، بر نتایج فعل اخلاقی تأکید کرده است؛ نتایج یادشده در قالب واژگانی مانند سعادت، فوز، فلاح، نجات، لذت، امنیت، بشارت، آرامش، رنج، تشویش، انذار، و شرح و بسط زندگی بهشتیان و دوزخیان، آموزه‌های قرآنی پرشماری را به خود اختصاص داده است که بازگوکننده سازگاری فی‌الجمله اخلاق قرآنی با نظریه‌های غایت‌گراست. غایت‌گرایی با انسان‌شناسی قرآنی و اسلوب‌های تربیت اخلاقی قرآن سازگار است. غایت‌گرا بودن نظام اخلاقی قرآن، به مفهوم انکار ارزش فضیلت و مسئولیت اخلاقی نیست؛ در شماری از آیات، قرآن رفتارهایی را که با انگیزه انجام وظیفه اخلاقی انجام می‌گیرد یا منشأ آنها فضیلت انسانی است، می‌ستاید. قرآن مخاطبان خود را به فضیلت‌محوری و تکلیف‌مداری تشویق می‌کند و آن را دو راهبرد مؤثر در تربیت اخلاقی می‌داند؛ اما عام‌ترین پاسخ قرآن، برای توجیه همه الزامات اخلاقی، غایت فعل اخلاقی است؛ نه فضیلت انسانی و نه وظیفه اخلاقی.

کلیدواژه‌ها: غایت‌گرایی، خودگرایی، دیگرگرایی، وظیفه‌گرایی، فضیلت‌گرایی، نظریه‌هنجاری، نظریه‌هنجاری اسلام، فوز، فلاح، غایت‌گرایی در قرآن.

نظریه‌های اخلاقی از مهم‌ترین مباحث فلسفه اخلاق است و پژوهش‌های فراوانی، به‌ویژه از سوی اخلاق‌پژوهان غربی درباره نظریه‌های اخلاقی انجام گرفته و دلایل و نقدهای هر یک از نظریه‌های سه‌گانه (غایت‌گرایی، وظیفه‌گرایی و فضیلت‌محوری) مورد بررسی و ژرف‌اندیشی قرار گرفته است. پرسش اساسی در این پژوهش آن است که نظریهٔ هنجاری اسلام بر اساس داده‌های قرآنی چیست؟ با مروری بر آموزه‌های اخلاقی قرآن، می‌توان دریافت که نظریه اخلاقی اسلام با نظریه‌های غایت‌گرای فی‌الجمله سازگار است. مستندات قرآنی غایت‌گرایی اخلاقی، شامل طیف گسترده‌ای از آیات می‌شود که به‌رغم تنوع فراوان، در مضمون و سبک بیان، بازگوکننده این واقعیت‌اند که عام‌ترین توجیه ارزش و الزام اخلاقی، نتایجی است که فعل اخلاقی به‌دنبال دارد.

در قرآن کریم برای ترغیب مخاطبان به زندگی اخلاقی، بر نتایج فعل اخلاقی تأکید شده و این مسئله آموزه‌های قرآنی پرشماری را به خود اختصاص داده است که بازگوکننده سازگاری فی‌الجمله اخلاق قرآنی با نظریه‌های غایت‌گراست. غایت‌گرا بودن نظام اخلاقی قرآن، به‌مفهوم انکار ارزش فضیلت و مسئولیت اخلاقی نیست. قرآن در شماری از آیات رفتارهایی را که با انگیزه انجام وظیفه اخلاقی انجام می‌گیرد یا منشأ آنها فضیلت انسانی است، می‌ستاید و فضیلت‌محوری و تکلیف‌مداری را دو راهبرد مؤثر در تربیت اخلاقی می‌داند.

شبهه تعارض غایت‌گرایی با ساحت اخلاق، اثرپذیری از اخلاق ارسطویی و ظهور برخی آیات و روایات در تأیید اخلاق وظیفه و اخلاق فضیلت، موجب شده است برخی اخلاق‌پژوهان مسلمان پیشین، تعریفی فضیلت‌محور، و شماری از اخلاق‌پژوهان معاصر نیز تقریری وظیفه‌گرایانه از اخلاق اسلامی ارائه دهند.

در این نوشتار، ابتدا مبانی انسان‌شناختی قرآنی و روان‌شناختی نتیجه غایت‌گروی اخلاقی، و پس از آن سازگاری غایت‌گروی با اخلاق اسلامی با استناد به آیات قرآن تبیین خواهد شد. گستره مطالعاتی این پژوهش، قرآن، و هدف آن واکاوی، تحلیل و تبیین غایت‌گروی است. روش جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و شیوه پردازش آن، توصیفی و تحلیلی است. از فواید این پژوهش، توسعه دانش‌های قرآن‌بنیان در باب نظریه‌های اخلاقی است.

پیشینه‌شناسی

کتاب‌ها و مقالات فراوانی، به‌ویژه از سوی اخلاق‌پژوهان غربی به نظریه‌های اخلاقی اختصاص یافته است؛^۱ ولی در خصوص دیدگاه قرآن، آثار معدودی به شرح زیر پدید آمده است: محمد عبدالله دراز در کتابی با عنوان *دستور الاخلاق فی القرآن* در حجمی گسترده از مباحث قرآنی و روایی، از سازگاری نظریه اخلاقی قرآن با وظیفه‌گرایی کانت سخن گفته است (ر.ک: دراز، ۱۴۲۳). در آثاری از آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی، چون *دروس فلسفه اخلاق؛ اخلاق در قرآن؛ خودشناسی برای خودسازی؛ و نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، مباحث فراوانی در باب نظریه‌های هنجاری و غایت‌گرا بودن نظام اخلاقی اسلام و استدلال‌های عقلی و مستندات قرآنی و روایی ارائه شده است. در این زمینه، یک رساله دکتری نیز با عنوان *تبیین نظریه اخلاقی قرآن کریم و مقایسه آن با فضیلت‌گرایی در اخلاق* (دبیری، ۱۳۹۰)

ارائه شده است. در باب تفاوت کارهای انجام‌شده با پژوهش پیش‌رو می‌توان گفت: در بیشتر این آثار، گستره مطالعاتی کاوش‌های انجام‌شده برای اثبات سازگاری اخلاق اسلامی با غایت‌گرایی، صرفاً داده‌های قرآنی نیست و اغلب به تحلیل‌های عقلی و فلسفی پرداخته شده است.

چیستی غایت‌گرایی اخلاقی

غایت‌گرایی اخلاقی^۲ معیار درست، خوب، باید و تکلیف اخلاقی، میزان خیر نسبی ایجادشده یا غلبه نسبی خیر بر شر است؛ و رفتار درست، رفتاری است که خودش یا قاعده‌ای که رفتار بر اساس آن قاعده انجام گرفته، در برابر بدیل‌های دیگر، حداقل غلبه خیر بر شر را ایجاد کند یا قصد ایجاد آن را داشته باشد. معیار سنجش نتیجه‌گرایان برای درستی یا نادرستی، نتیجه کار اختیاری انجام شده است؛ کاری خوب و درست است که ما را به نتیجه مطلوب برساند یا دست‌کم در خدمت وصول به نتیجه مطلوب باشد. درستی، نادرستی، بایستگی و نبایستگی رفتارهای آدمی وابسته به نتایجی است که رفتارها به دنبال دارند (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۲۵). این نکته دارای اهمیت است که در غایت‌گرایی، نتیجه فعل اخلاقی را نمی‌توان از مقوله ارزش‌های اخلاقی دانست (فرانکنا، ۱۳۸۳، ص ۴۶-۴۵). بنابراین، رستگاری (سعادت، فوز، فلاح، نجات) از آن‌رو که در نظام اخلاقی قرآن نتیجه فعل اخلاقی است، از مقوله ارزش‌های اخلاق نخواهند بود.

توجه به نتایج رفتار اخلاقی به‌عنوان معیار ارزش اخلاقی، نظریه‌ای نوظهور در فلسفه اخلاق نیست، برخی آریستوپوس را بنیان‌گذار نتیجه‌گرایی اخلاقی می‌دانند. وی لذت و رنج را معیار ارزش اخلاقی، و رفتاری را که به لذت می‌انجامد، خوب می‌دانست (کاپلستون، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۴۵). پس از وی، اپیکور نیز لذت را معیار ارزش اخلاقی معرفی می‌کند. این نظریه مورد دفاع سلسله‌ای از فیلسوفان، از یونان نخستین تا برخی فیلسوفان کنونی است. آریستوییوس (۳۵۵-۳۳۵ ق.م)، اپیکور (۲۷۰-۳۴۲ م)، لاک، توماس هابز (۱۵۸۸-۱۶۷۹)، هیوم (۱۷۱۱-۱۷۷۶)، بنتام (۱۷۴۸-۱۸۳۲)، جان استوارت میل (۱۸۰۶-۱۸۷۳)، و نیچه (۱۸۴۴-۱۹۰۰) از مدافعان این رویکرد اخلاقی بودند (فرانکنا، ۱۳۸۳، ص ۴۶-۴۵). شماری از فیلسوفان برآن‌اند که سعادت تنها چیزی است که ذاتاً مطلوب است؛ اگر آنان معتقد باشند که سعادت‌مندی یک فرد در یک زمان مفروض به معنای این است که در آن زمان احساس لذت می‌کند، در این صورت باید اسامی آنان را نیز به فهرست پیروان خودگرایی افزود. بنتام براین باور بود که طبیعت، انسان را در سلطه دو فرمانروای مطلق لذت و رنج قرار داده است؛ فقط به خاطر این دو است که کاری را انجام می‌دهیم یا از انجام آن اجتناب می‌کنیم. به عقیده وی، تفاوت‌های رفتاری آدمیان، مربوط به مدت لذت، تعیین درجه خلوص و دامنه وسعت لذت است (همان، ص ۸۶).

غایت‌گرایان با توجه به نوع نتیجه، به لذت‌گرا و نالذت‌گرا تقسیم می‌شوند. لذت‌گرایان، خوب را «خوشی» و بد را «رنج» تعریف می‌کنند (همان، ص ۴۶-۴۵). لذت‌ناگرایان درباره خوب آرای گوناگونی ارائه داده‌اند. «قدرت»، «معرفت»، «تحقق نفس» یا «کمال» و «سود»، معانی بازگوشده از خوب توسط آنان است. در مکتب قدرت، فعلی خوب است که موجب قدرتمندی انسان شود. مکتب معرفت، فعلی را مطلوب می‌داند که موجب فزونی دانش گردد.

در مکتب تحقق نفس، فعلی خوب است که موجب شکوفایی و به فعلیت رساندن استعدادهای آدمی شود (ر.ک: همان). در قرائت رایج مکتب کمال، تمرکز بر ذات انسان و ویژگی‌های ذاتی اوست. این مکتب بر این فرض استوار است که انسان با شکوفاسازی استعدادهای ذاتی خود می‌تواند به سعادت و بالاترین حد کمال دست یابد. پیروان این نظریه، ذات انسان را به‌خودی‌خود ارزشمند می‌دانند. کمال‌گرایی، در آثار بسیاری از فیلسوفان بزرگ چون سقراط، افلاطون، ارسطو، توماس آکویناس، مارکس، هگل، برادلی و نیچه به‌چشم می‌خورد (هورکا، ۱۹۹۳، ص ۳).

از میان لذت‌ناگرایان، سودگرایی از شهرت و پیروان بیشتری برخوردار است. سودگرایان بر این باورند که انسان باید در رفتارهای خود در پی بیشترین غلبهٔ ممکن خیر بر شر یا کمترین غلبه شر بر خیر در کل جهان و برای همه انسان‌ها باشد (فرانکنا، ۱۳۸۳، ص ۸۵ و ۸۶). صورت‌بندی کلاسیک سودگرایی، توسط جرمی بنتام (۱۸۳۲-۱۷۴۸) و پس از او جان استوارت میل (۱۸۰۶-۱۸۷۳م)، انجام شده است (مکینون، ۱۹۹۸، ص ۳۳). پیروان این نظریه، خود به دو گروه تقسیم می‌شوند:

جرمی بنتام و پیروان وی تفسیری خودگرایانه از سودگرایی ارائه می‌دهند. آنان از آن‌رو سود عمومی را معیار ارزش اخلاقی می‌دانند و به آن توصیه می‌کنند که آن را ابزاری برای رسیدن به سود شخصی می‌دانند؛ زیرا بر این باورند که با افزایش سود عمومی، سود فرد نیز فزونی خواهد یافت؛ هرچند برخی نظیر باربارا مکینون چنین تبیینی از خودگرایی را نمی‌پذیرند و آن را تقریری از سودگرایی دانسته‌اند، نه خودگرایی (همان، ص ۳۵).

گروهی دیگر از سودگرایان، به‌پیروی از جان استوارت میل، سود عمومی را بدون در نظر گرفتن منافع شخصی، معیار رفتار اخلاقی خوب می‌شمارند (کاپلستون، ۱۳۷۰، ج ۸، ص ۴۵). پس از این دو فیلسوف، سیچ‌ویک می‌کوشد ضمن نقاط ضعف این نظریه، یک نظریه فایده‌مندی شهودگرایانه ارائه کند (همان، ص ۱۱۳-۱۱۴).

غایت‌گرایی با توجه به این پرسش که چه کسی باید از نتایج فعل اخلاقی برخوردار شود، دو رویکرد خودگرایی و دیگرگرایی را پدید آورده است. خودگرایان بر این باورند که انسان همواره باید بیشترین خیر را برای خودش ایجاد کند. اپیکور، هابز و نیچه پیروان این رویکرد اخلاقی‌اند. دیگرگرایان هدف نهایی اخلاق را بیشترین خیر برای بیشترین افراد می‌دانند. بنتام، جان استوارت میل، جی. ای مور، و هستینگر رشدال، شماری از دیگرگرایان‌اند. می‌توان از نتیجه‌گرایانی سخن گفت که معیار فعل اخلاقی را بیشترین غلبه خیر بر شر برای گروه خاص، طبقه خاص، خانواده یا نژاد خاصی از انسان‌ها می‌دانند (فرانکنا، ۱۳۸۳، ص ۴۹-۴۷). بنتام نیز مانند میل، سودگرایی را به بیشترین خیر برای بیشترین افراد تعریف می‌کند؛ با این تفاوت که بنتام منفعت عمومی را وسیله منفعت فردی، و میل منفعت عمومی را مطلوب می‌داند (معلمی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۵).

قرآن و غایت‌گرایی

درباره معیار ارزش اخلاقی از منظر قرآن، فرضیه‌های گوناگونی وجود دارد. بر اساس فرضیه پژوهش پیش‌رو، در قرآن - هرچند با تقریری متفاوت - تصویری غایت‌گرایانه از اخلاق ارائه شده است. در فرضیه دوم، سازگاری اخلاق اسلامی با نظریه‌های غایت‌گرا، نتیجه فهمی سطحی از آموزه‌های قرآنی تلقی می‌شود و ابتنای ارزش اخلاق قرآنی

بر نتایج رفتارهای اخلاقی، فروکاستن از منزلت اخلاق محسوب می‌گردد و تأکید می‌شود که باید اصلی‌ترین معیار ارزش در اخلاق اسلامی را فضیلت انسانی یا انجام وظیفه دانست. از سوی برخی اخلاق‌پژوهان معاصر، این فرضیه نیز مطرح شده است که آموزه‌های این منبع وحیانی در باب اخلاق، با توجه به تفاوت معرفت و ظرفیت انسان‌ها نازل شده و معیار ارزش اخلاقی در هر یک از سطوح ایمانی متفاوت است. مخاطب آیاتی که با مضمونی غایت‌گرایانه همراه‌اند، مؤمنانی هستند که از منظر آنان نتایج فعل اخلاقی (مادی و معنوی) تعیین‌کننده ارزش اخلاقی است؛ درحالی‌که برای مخاطبان خاص قرآن، «فضیلت انسانی» یا «عمل به وظیفه»، معیار ارزش و الزام اخلاقی است (این فرضیه با عنوان «نظریه چتری ارزش اخلاقی» توسط دکتر هادی صادقی مطرح شده است).

اما قرآن مشحون از آیاتی است که در آنها برای تشویق مؤمنان به اخلاق و تربیت اخلاقی، بر نتایج فعل اخلاقی تکیه و تأکید شده است. این آیات را می‌توان به دسته‌های متعددی تقسیم کرد. در تعداد پرشماری از آیات، واژه‌هایی چون فلاح، فوز، سعادت (رستگاری)، هلاکت، شقاوت و تباهی، گسترده است. این آیات بازگوکننده پیامد خوبی‌ها و بدی‌های اخلاقی‌اند. پاسخ قرآن به این پرسش اساسی که چرا ملزم به رعایت اخلاق هستیم، این است که رستگار شوید: «لَعَلَّكُمْ تَقْلِحُونَ» (بقره: ۱۸۹؛ آل عمران: ۱۳۰ و ۲۰۰). این پاسخ، سازگاری اخلاق قرآنی را با غایت‌گرایی نشان می‌دهد.

سعادت، فوز و فلاح، مطلوب نهایی و مشترک همه انسان‌هاست. سعادت به مفهوم برخورداری از لذت پایدار و برتر یا بالاترین حد سرور و ابتهاج است؛ تقریباً در تمامی مکاتب اخلاقی، غایت رفتارهای اخلاقی رسیدن به رستگاری است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴ الف، ج ۱، ص ۲۹). قرآن با صراحت بیان می‌دارد که عمل به خوبی‌ها، ثواب‌هایی را به دنبال دارد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ» (عنکبوت: ۷؛ اسراء: ۹؛ کهف: ۲).

در آموزه‌های قرآن، شاهد کاربست پرشمار مفاهیمی مانند لذت و شادی (بقره: ۳۸)، سعادت (هود: ۱۰۵ و ۱۰۸)، نیک‌بختی، امنیت (انعام: ۸۲-۸۱)، سلامت (یونس: ۲۵)، آسایش، اطمینان (رعد: ۲۸)، فلاح (بقره: ۵؛ آل عمران: ۱۰۴؛ اعراف: ۸ و ۱۵۷) و فوز (نساء: ۷۳؛ احزاب: ۷۱؛ فتح: ۵) هستیم. به‌رغم تفاوت و تنوع معنایی مفاهیم یادشده، همه آنها بیانگر نتایجی هستند که در قرآن برای فعل اخلاقی گزارش شده است؛ چنان‌که شقاوت (هود: ۱۰۵-۱۰۶)، نامنی (حج: ۳۱)، جهنم (آل عمران: ۱۲)، جحیم (واقعه: ۹۴؛ انفطار: ۱۴؛ مزل: ۱۲)، سفر (قمر: ۴۸؛ مدثر: ۲۶-۲۷) و محرومیت مادی (نحل: ۱۱۲) نتایجی هستند که برای رفتارهای بد گزارش شده‌اند.

قرآن برای بیان نتایج مادی، معنوی، دنیوی و اخروی فعل اخلاقی، تنها به مفاهیم کلی همچون سعادت، شقاوت، فوز، فلاح، بهشت، جهنم و مانند اینها بسنده نمی‌کند؛ بلکه با ارائه سیمایی شورانگیز از بهشت و نعمت‌های بهشتی و تصویری هولناک از جهنم و کثرت و تنوع عذاب‌های توصیف‌ناپذیر آن، مؤمنان را به حیات اخلاقی ترغیب می‌کند (انسان: ۴-۶؛ مطففین: ۱۸-۲۶). در بسیاری از سوره‌های قرآن، شاهد توصیف بهشت و جهنم، انداز،

بشارت، پاداش و مجازاتیم. قرآن در تمام توصیه‌های اخلاقی و بازگویی اصول و قواعد اخلاقی، همواره از نتایج رفتارهای اخلاقی سخن می‌گوید و پایبندی به اخلاق را تنها راه سعادت و نیک‌بختی می‌داند. برای نمونه، قرآن در بسیاری از آیات، مؤمنان را به تقوا فرامی‌خواند: «وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (بقره: ۱۸۹؛ آل عمران: ۱۳۰ و ۲۰۰). تقوا از مفاهیم عام و از اصول اخلاق قرآنی، و در اصطلاح، ملکه‌ای است که موجب سهولت انجام خوبی‌ها و اجتناب از بدی‌ها می‌شود. توصیه به تقوا به‌منظور پایبندی به همه الزامات اخلاقی، همواره معلّل به پاداش و مجازات دنیوی و اخروی شده است. گویی قرآن در پاسخ به این پرسش که چرا باید تقوا داشت، می‌فرماید: تا رستگار شوی: «لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». این تعلیل، بی‌واسطه یا باواسطه در تمام توصیه‌های اخلاقی تکرار شده است. در شماری از آموزه‌های قرآن، مؤمنان را فرامی‌خواند تا پیوسته و بسیار خدا را یاد کنند: «ذُكِّرُوا بِاللَّهِ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (احزاب: ۴۱). در این آیات نیز یاد خدا از آن‌رو توصیه شده که نتیجه‌اش سعادت و رستگاری است.

آرامش، امنیت و رفاه مادی، در بسیاری از آیات، مشوق مؤمنان برای زندگی اخلاقی است؛ چنان‌که نزول برکات آسمانی و برخورداری از نعمت‌ها و مواهب زمینی، نتیجه ایمان و پرهیزگاری معرفی شده است (اعراف: ۹۶) و محرومیت از برکات و نعمت‌های الهی پیامد ناسپاسی است (نحل: ۱۱۲).

به‌کارگیری واژگانی همچون تجارت (توبه: ۱۱۱)، خرید و فروش (توبه: ۹) و سود و زیان (بقره: ۱۶؛ غافر: ۸۵) در آیات فراوان قرآنی، به‌وضوح نقش پیامدهای رفتاری را در اخلاق قرآنی نشان می‌دهد و سازگاری فی‌الجمله غایت‌گروی را با اخلاق اسلامی یادآور می‌شود.

دو نکته درباره غایت‌گرایی قرآنی شایان ذکر است: نخست آنکه هدف اصلی این پژوهش قرآن‌بنیاد، تبیین سازگاری فی‌الجمله نظام اخلاقی اسلام با نظریه‌های غایت‌گراست، نه انطباق کامل با آنها. بدیهی است که غایت‌گرایی برگرفته از قرآن، نیازمند تقریری سازگار با مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی اخلاق اسلامی خواهد بود. دوم آنکه فراوانی و پرشماری مستندات قرآنی مربوط به سازگاری نظام اخلاقی اسلام با نظریه‌های غایت‌گرا، سهمی مؤثر در تبیین و تثبیت این نظریه دارد؛ اما به‌اقتضای محدودیت مقاله، ضمن محدود کردن عناوین دسته‌بندی شده در این مقاله، در هر یک از عناوین نیز به تعداد کمی از آیات مربوط به بحث اشاره می‌شود و نقد مستندات قرآنی دو دیدگاه دیگر به مجال دیگر نیاز دارد.

تبیین مستندات سازگاری فی‌الجمله آیات قرآن با غایت‌گرایی

آیات مستند غایت‌گرایی اخلاقی، حجم معتناهایی از آموزه‌های قرآنی را به خود اختصاص می‌دهند و با بیان‌های متنوع، نقش نتایج فعل اخلاقی را در پایبندی به الزامات اخلاقی بازگو می‌کنند. این آیات را در هشت عنوان می‌توان صورت‌بندی کرد: ۱. رستگاری؛ ۲. مفاهیم عام اخلاقی؛ ۳. پاداش و کیفر؛ ۴. فراوانی کاربست واژه عمل و واژگان مرادف؛ ۵. دسته‌بندی‌های انسان‌ها؛ ۶. آیات مقایسه دنیا و آخرت؛ ۷. آیات بازگوکننده نقش شیطان در سرنوشت انسان؛ ۸. به‌کارگیری واژگان رایج در مبادلات مالی. در این پژوهش چهار عنوان نخست بررسی شده است.

واژه رستگاری ترجمه فارسی چهار واژه سعادت، فلاح، فوز و نجات است (دهخدا، ذیل واژه‌ها). واژگان یادشده از واژگان پرکاربرد اخلاقی‌اند که ضمن بازگویی غایت و نتیجه فعل اخلاقی از منظر قرآن، سازگاری آموزه‌های قرآنی را با نظریه غایت‌گرایی نشان می‌دهد. واژه فلاح و مشتقات آن چهل بار در قرآن تکرار شده است. شکافتن و بریدن، پیروزی، رسیدن به مقصد، خوشبختی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۴۴)، فوز، رستگاری، نجات، بقا و تداوم در نعمت و خیر، معانی‌ای است که برای فَلَاح در کتاب‌های لغت آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۵۴۷) و شامل رستگاری و پیروزی دنیوی و اخروی می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۴۴).

خداوند به مؤمنان دستور می‌دهد که از رفتارهای شیطانی - که شامل همه ذریلت‌های اخلاقی می‌شود - بپرهیزند تا رستگار شوند: «فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده: ۹۰). در برخی آیات، رستگاری به کسانی اختصاص یافته است که در راه خدا جهاد می‌کنند و از مال و جان خود می‌گذرند (توبه: ۸۸). در نمونه‌هایی از آیات، رستگاری سهم کسانی است که هنگام محاسبه، نیکی‌هایشان بیش از بدی‌هایشان است: «فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (مؤمنون: ۱۰۲). در برخی آیات، رستگاری معلل به تقوا شده است: «وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (بقره: ۱۸۹). «نجات» به معنای رهایی از شر و بدی است (فراهدی، ۱۳۷۲، ج ۶ ص ۱۸۶). این واژه و مشتقات آن ۷۶ بار در قرآن تکرار شده و در همه کاربردها به معنای لغوی است: مانند: «وَتَجَنَّبْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» (فصلت: ۱۸). «فوز» به معنای پیروزی به خیر و رهایی از شر، همراه با سلامتی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۴۴). این واژه و مشتقات آن ۲۹ بار در قرآن تکرار شده است. آیه ۱۳ سوره نساء واژه فوز را با وصف عظیم توصیف می‌کند و آن را پاداش کسانی می‌داند که خود را ملزم به رعایت حدود الهی می‌دانند. واژه سعادت و مشتقات آن دو بار در سوره هود، در کاربرد اخلاقی، همراه با واژه شقاوت^۳ آمده است (هود: ۱۰۵-۱۰۸). در این آیات، پیامد اعمال سعادت‌مندان و شقاوت‌پیشگان با صراحت بیان شده است. در تمامی کاربردهای قرآنی فلاح، فوز، سعادت، نجات و مضامین مشابه، رستگاری معلل به انجام فعلی از افعال اخلاقی گشته و رستگاری انسان پیامد رفتارهای اخلاقی دانسته شده است.

۲. مفاهیم عام اخلاقی

مفاهیم اخلاقی به مفاهیم عام و خاص تقسیم می‌شوند: مفاهیم عام مانند خوب و بد، درست و نادرست، باید و نباید، و وظیفه، همواره محمول گزاره‌های خبری اخلاقی واقع می‌شوند و رفتارهای اخلاقی با این مفاهیم توصیف می‌گردند؛ مفاهیم خاص مانند ایمان، کفر، تقوا، راست‌گویی، دروغ، سخاوت، بخل، شجاعت، ترس، صبر، ناشکیبایی، غیبت و تهمت، همواره موضوع گزاره‌های اخلاقی قرار می‌گیرند و متصف به مفاهیم عام اخلاقی می‌شوند (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۴ الف، ج ۱، ص ۵۲).

در آموزه‌های اخلاقی قرآن، شاهد گستردگی و تنوع چشمگیری در مفاهیم عام اخلاقی، مانند خیر، شر، حسن، قبح، واجب، حرام، هدایت، ضلالت، معروف، منکر، احسان، برّ، فسق، فجور، عدل، قسط، ظلم، جور، صلاح و سیئه هستیم. این مفاهیم در نظام اخلاقی قرآن در معنایی نزدیک به هفت مفهوم عام اخلاقی به کار می‌روند؛ اما هر یک از این مفاهیم قرآنی دارای ویژگی خاصی هستند که در کاربردهای قرآنی ملحوظ شده است؛ چنان‌که در مفهوم «برّ» افزون بر خوبی فراوانی و گستردگی خوبی نیز نهفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۰).

باید توجه داشت که مفاهیم خاص، مانند ایمان، صدق، کذب، صبر، سخاوت و شجاعت، تنها در مقایسه با مفاهیم هفت‌گانه عام اخلاقی، خاص محسوب می‌شوند؛ اما این مفاهیم خاص، از آن منظر که خود دارای مصداق‌های فراوانی هستند، باید آنها را مفاهیم عام اخلاقی دانست. از این مفاهیم عام، به اصول اخلاقی نیز تعبیر می‌شود. بنابراین مقصود از مفاهیم عام در اینجا، معنای دوم عام یا مفاهیم عام ثانوی است که شامل مفاهیمی چون ایمان، صبر و سخاوت می‌شود.

در کاربردهای قرآنی، تقریباً در همه مواردی که مؤمنان را به پای‌بندی به مفاهیم عام اخلاقی (ثانوی) فرامی‌خواند، نتایج رعایت این اصول را نیز یادآوری می‌کند. برای نمونه، در سوره آل‌عمران در بررسی رذیلت اخلاقی بخل، مجازات این رذیلت بیان شده است: «سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ روز رستاخیز آنچه را بدان بخل ورزیدند، مانند طوقی به گردنشان آویخته خواهد شد (آل‌عمران: ۱۸۰) و با بیان پیامدهای رذیلت اخلاقی، مؤمنان به زندگی اخلاقی ترغیت می‌شوند.

در این بخش از پژوهش، رابطه برخی مفاهیم اخلاقی، مانند: ایمان، تقوا، احسان، برّ و صبر با غایت‌گرایی اخلاقی تبیین می‌شود.

الف) ایمان: ایمان در لغت، تسلیم شدن همراه با اطمینان خاطر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۹۰). ایمان از ماده «امن» به معنای طمأنینه روح و زایل شدن ترس است و در کاربردهای قرآنی درباره اقرار به خداوند و اسلام، اعتقاد قلبی به حق همراه با پذیرش و تصدیق و اعتقاد، اظهار زبانی و عمل صالح استعمال شده است (همان). ایمان و مشتقات آن ۸۷۹ بار در قرآن تکرار شده است. بر اساس برخی منابع با استناد به قرآن، ۸۷ اثر مادی و معنوی از آثار ایمان بیان شده است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۴۵۸). برخی آثار قرآنی ایمان عبارت‌اند از: آرامش (بقره: ۶۲)؛ آسان شدن کارها (کهف: ۸۶ و ۸۸)؛ رهایی از عذاب دنیایی و آسایش در زندگی (یونس: ۹۸؛ صافات: ۱۳۹)؛ اجتناب از تجاوز (ص: ۲۴)، گناه و تکرار آن (نور: ۱۱)، تهمت (نور: ۱۱)، ربا (بقره: ۲۷۸) و فساد و کم‌فروشی (اعراف: ۸۵)؛ اجرای عدالت (نساء: ۱۳۵) و اصلاح جامعه (انفال: ۱). این آیات به‌وضوح نقش ایمان را در تربیت اخلاقی قرآن نشان می‌دهند. شایان ذکر است که در قرآن، ایمان زمانی نتیجه مطلوب را به دنبال دارد که با عمل صالح همراه باشد (خزاعی، ۱۳۸۰). همراهی سه عنصر ایمان، عمل و نتایج اخروی، ابتدای نظام اخلاقی اسلام بر غایت‌گرایی را نشان می‌دهد.

ب) **تقوا:** تقوا در لغت به معنای حفظ خویشتن است از آنچه موجب هراس می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۴۰۱)؛ و در اصطلاح، خویشتن‌داری از گناه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۹۰). این واژه و مشتقات آن، ۲۵۸ بار در قرآن تکرار و آثار بی‌شماری برای آن بیان شده است. در برخی منابع قرآنی، ۱۱۹ اثر برای تقوا همراه با نمونه‌هایی از آیات آمده است؛ مانند آرامش (آل عمران: ۱۲۵ و ۱۲۶)؛ آسایش (اعراف: ۹۴-۹۶)؛ اتحاد (آل عمران: ۱۰۲-۱۰۳)؛ آموزش گناه؛ رستگاری (بقره: ۱۸۹؛ آل عمران: ۲۰۰ و ۱۳)؛ سهولت و آسانی در انجام کارها (طلاق: ۲-۳)؛ گریز از مشکلات و بن‌بست‌ها (همان)؛ رهایی از شک و تردید؛ پرهیز از دین‌فروشی، ربا، فساد، بخل، بدعت، دنیاطلبی و دین‌فروشی؛ محبوبیت در میان مردمان؛ دوستی خدا (توبه: ۷)؛ آگاهی؛ ریزش نعمت‌های مادی و معنوی (اعراف: ۹۴-۹۶)؛ معیار پذیرش عمل (اعراف: ۹۴-۹۶)؛ و کرامت و برتری در بارگاه الهی (حجرات: ۱۳). در خطبه ۱۹۳ **نهج البلاغه**، امیر مؤمنان علیه السلام در توصیف پارسایان، بیش از بیست صفت از اوصاف آنان را برشمرده است. تقوا در مفهوم قرآنی و روایی، برخوردار از نیرویی است درونی که آدمی به‌مدد آن می‌تواند بدون تکلف، خوبی‌ها را انجام دهد و از گناهان بپرهیزد و به سعادت در دنیا و آخرت دست یابد (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۳، ص ۶۹۴). در قرآن برای تشویق مؤمنان به پرهیزگاری، بیش از هرچیز منافع و نتایج پرهیزگاری را یادآور شده است.

ج) **احسان:** احسان مصدر باب افعال به معنای نیکی کردن، دارای دو کاربرد متفاوت است: ۱. نیکی کردن به دیگران؛ ۲. انجام دادن فعل به نیکویی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۳۶). سخن امیر مؤمنان علیه السلام «الْإِنْسَانُ أُنْبَاءُ مَا يُحْسِنُونَ» با معنای دوم سازگار است. در آیه ۷ سوره سجده نیز این معنا لحاظ شده است: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» (همان). احسان از مفاهیم عام اخلاقی است و ۱۹۵ بار در قرآن تکرار شده که نود مورد در معنای نیکی به کار رفته است. خداوند در آیه ۱۹۵ سوره بقره، مؤمنان را به نیکی فرامی‌خواند. «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» و در آیه ۲۶ سوره یونس و بسیاری از آیات دیگر، پس از بیان احسان و نیکی و ترغیب مؤمنان به این فضیلت اخلاقی، رهایی از عذاب و برخوردار از بهشت جاودان را نتیجه و پاداش احسان معرفی می‌کند. در آیه ۳۰ سوره نحل و مانند آن نیز سخن از پاداش احسان در دنیا و آخرت است.

د) **بر:** واژه‌شناسان و مفسران چهار معنای اصلی برای این واژه قرآنی بیان کرده‌اند: لطیف (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۹، ص ۲۵۲)؛ محسن (علم الهدی، ۱۴۱۱، ص ۵۹۷)؛ صادق (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۷۷) و بسیار نیکوکار (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۱۶). برخی رفاقت را از معانی غیراصولی بر می‌دانند (طریحی، ۱۳۶۷، ذیل ماده «بر»). راغب اصفهانی می‌نویسد: بر به معنای خشکی است و با توجه به گستردگی خشکی‌ها، این واژه به نیکوکاری فراوان اطلاق شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۰). «بر» از عام‌ترین مفاهیم اخلاقی در قرآن است که همه ارزش‌های مثبت اخلاقی، متصف به مفهوم بر می‌شوند. قرآن در آیه ۱۷۷ سوره بقره نمونه‌های متعددی از رفتارهای نیک (بر) را نام می‌برد. در آیه ۱۴ و ۵۲ سوره مریم، نیکی به پدر و مادر به‌عنوان مصادیق بر معرفی شده و در آیه ۹۲ سوره آل عمران، از انفاق و گذشتن از محبوب‌ها، به‌عنوان مصداق «بر» یاد شده است. این واژه و

مشتقاتش در قرآن هفده بار به کار رفته است. در آموزه‌های اخلاقی قرآن، بر در تقابل با مفاهیمی چون اثم (مأثمه: ۲)، فجور (مطففین: ۷)، سیئه و جرم (مریم: ۱۴)، جبار، شقی و عسینان (مریم: ۳۲) آمده است. گویی در میان واژگان موجود در زبان عرب، هیچ واژه‌ای وجود ندارد که شامل همه مصادیق اضداد مفهوم بر باشد. در کاربست‌های قرآنی واژه بر به معنای خوبی، و ابرار به معنای خوبان، همواره نتایج و پیامدهای خوبی به تفصیل بیان شده و حاوی این نکته اساسی است که در اندیشه اخلاقی قرآن، دستیابی به نتایج فعل اخلاقی، اصلی‌ترین علت و توجیه پابندی به الزامات اخلاقی است. «بر» به معنای خوبی در تفسیر اخلاقی انجام فضیلت‌هاست. در همه یا بسیاری از آیات قرآن، وقتی از انجام خوبی‌ها و از ابرار سخن به میان آمده، نتایج خوبی نیز بیان شده است؛ مانند: «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ» (انفطار: ۱۳ و ۲۲).

ه) صبر: برای واژه صبر معانی گوناگونی بیان شده است؛ مانند داروی تلخ و ضد جزع (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۶ ص ۱۸۱؛ فراهیدی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۱۵)؛ اسامی خدا (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۴۳۸)؛ خویشتن‌داری و محبوس کردن نفس (طریحی، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۳۸۸)؛ و شکیبایی در سختی‌ها و تنگناها (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۷۴). صبر در هندسه اخلاق اسلامی جایگاه ویژه‌ای در تحقق حیات اخلاقی دارد و در روایات از آن به رأس ایمان تعبیر شده است. این واژه و مشتقات آن ۱۰۳ بار در قرآن تکرار شده است. صبر به مفهوم شکیبایی در برابر رخدادی بیرونی است. شکیبایی در برابر مصیبت، دشواری انجام واجبات و تلخی چشم‌پوشی از لذت‌ها، نمونه‌هایی از عوامل بیرونی است (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۹۱). قرآن در توصیف شکیبایان می‌فرماید: «إِذَا أَصَابْتَهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶). نتیجه این شکیبایی، برخورداری از صلوات خدا، رحمت و هدایت الهی است (بقره: ۱۵۷).

قرآن شکیبایی را از اوصاف نیکان و پارسایان می‌داند (بقره: ۱۷۷). در بسیاری از کاربست‌های قرآنی این مفهوم عام اخلاقی، بر نتایج مادی، معنوی، دنیایی و اخروی آن تصریح و تأکید شده است: «إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (زمر: ۱۰).

و) حلم: حلم به معنای خویشتن‌داری و حفظ نفس (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ذیل واژه صبر)، بردباری و عقل (قرشی، ۱۳۸۶، ذیل واژه صبر) آمده است. برخی واژه‌شناسان، عقل را از مسببات حلم دانسته‌اند، نه معنای لغوی آن؛ یعنی عقل نتیجه و معلول بردباری است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ذیل واژه صبر). واژه‌شناسان و اندیشمندان، «حلم» و «صبر» را تقریباً دو مفهوم مترادف می‌دانند. واژه حلم و مشتقات آن ۲۱ بار در قرآن تکرار شده است. در کاربرد قرآنی، این واژه شش بار در معنایی جز معنای اخلاقی به کار رفته و یازده بار وصف خداوند قرار گرفته است و در چهار آیه پیامبران الهی، مانند حضرت ابراهیم علیه السلام (توبه: ۱۱۴؛ هود: ۷۵) و حضرت اسماعیل علیه السلام (صافات: ۱۰۱) با حلم توصیف شده‌اند. با توجه به قرابت معنایی دو مفهوم اخلاقی حلم و صبر، می‌توان گفت که ترغیب انسان‌ها به حلم نیز همانند صبر، با توجه به پیامدهای آن قابل توجیه است.

ز) **عدل و ظلم**: عدل به معنای برابری و مساوات است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۵۱) و ظلم، در لغت به معنای قرار دادن چیزی در غیر جایگاه خود، ستم، بی‌عدالتی و آنچه ناروا، نابجا و ناحق است (همان، ص ۵۳۷). قسط و انصاف دو واژه مشابه عدل، و واژه جور مرادف با ظلم است. واژه عدل و مشتقات آن شانزده بار در معنای عدالت در برابر ظلم به کار رفته است. در آیه ۵۸ سوره نساء، خداوند آدمیان را به داوری کردن بر اساس عدل فرامی‌خواند: «إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» و این دستور خود به انسان‌ها را بهترین اندرز می‌خواند: «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُتَّقِينَ». در آیه ۱۲۹ سوره نساء، ضرورت رعایت عدالت میان همسران بیان شده است. در آیه‌های نام‌برده، به پاداش عدالت‌ورزی و مجازات ستمگری اشاره شده است. قسط و مشتقات آن ۲۵ بار در قرآن تکرار شده است که در بیشتر موارد در معنای عدالت است. در سوره یونس، آیه ۴، سخن درباره پاداش کسانی است که اعمال و رفتار خود را بر اساس قسط انجام می‌دهند. در این آیات، مخاطبان قرآن به عدالت، مساوات و قسط‌ورزی ترغیب می‌شوند تا از پاداش و نتایج آن برخوردار شوند.

واژه ظلم و مشتقات آن ۳۱۵ بار در قرآن تکرار شده که ۱۵۶ بار آن به معنای ستم و در برابر عدل به کار رفته است. در بسیاری از این آیات، همراه با بیان ظلم به عنوان یک اصل کلی، پیامدهای آن نیز بیان شده است. خداوند برای اجتناب از ظلم، عواقب و مجازات‌های سخت آن را خاطر نشان می‌کند؛ برای نمونه، در آیه «قَالَ أَمَا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نَعْتَبُهِ ثُمَّ يَرُدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نَكْرًا» (کهف: ۸۷)، با صراحت پیامد ظلم بیان شده است.

واژه جور و مشتقات آن سیزده بار در قرآن تکرار شده و تنها یک بار در سوره نحل آیه ۹ در قرآن در معنای ستم و انحراف آمده است؛ اما این واژه در روایات کاربردهای فراوانی دارد؛ چنان‌که روایتی از امام علی علیه السلام آمده است: «يَوْمُ الْعَدْلِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الْجُورِ عَلَى الْمُظْلَمِ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، کلمات قصار، ص ۵۱۲). در این آیات نیز از پیامدها و مجازات جور سخن به میان آمده و به وضوح نشان می‌دهند که نظام اخلاقی قرآن نظامی غایت‌گراست.

ح) **تزکیه**: از ماده «زکی» به معنای فرونی یافتن و پاک شدن است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۸). تهذیب مصدر باب تفعیل، در لغت به معنای پاکی و طهارت به کار رفته (طریحی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۸۴) و در منطق قرآن، تزکیه نفس و طهارت قلب، شرط درستی افعال و مقدمه رستگاری، و ناپاکی نفس عامل شقاوت و نگون بختی است. بر اساس مبانی معرفت‌شناختی وحیانی، فهم و شناخت، پیوندی وثیق با عنصر طهارت دارند و طبق برخی آیات، کسانی می‌توانند فهمی عمیق از قرآن داشته باشند که از طهارت کامل برخوردارند: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقع: ۷۹). قرآن در توصیه به طهارت و پاکی نیز پیامدها و نتایج مادی، معنوی، دنیایی و اخروی آن را متذکر می‌شود. در سوره شمس آیات ۹ و ۱۰ «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» و سوره اعلیٰ آیه ۱۴ «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى» نتیجه تهذیب را فلاح و رستگاری می‌داند. قرآن بهشت جاوید را پاداش کسانی می‌داند که نفس خود را تطهیر کرده‌اند (طه: ۷۶) و یادآور می‌شود که پیامد تزکیه نفس به فاعل آن بازمی‌گردد (فاطر: ۱۸). در تمامی آیات یادشده، تزکیه و فلاح در کنار هم آمده‌اند و مطلوبیت تزکیه از آن روست که عامل رستگاری انسان خواهد شد.

ط) توبه: توبه از مفاهیم عام اخلاقی و از اصول امیدبخش اخلاق در آموزه‌های قرآنی است و در لغت به معنای بازگشت یا بازگشت از معصیت است (جوهری، ۱۳۶۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ذیل ماده توب). حرف تاء در انتهای واژه «توبه» برای تأیید مصدر یا علامت وحدت است که بر این اساس، توبه به معنای یک بازگشت و جمع آن تَوْب است (جرجانی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۹۵؛ طریحی، ۱۳۶۷، ذیل ماده «توب»). استغفار، إنابه و اعتذار، از مفاهیم قرآنی مشابه و مرادف و مرتبط با توبه‌اند. استغفار از ماده غفر و به معنای طلب مغفرت، و در اصطلاح به معنای درخواست زبانی و عملی آموزش است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۰۹).

بر اساس آموزه‌های قرآنی، توبه تأثیری شگرف در رستگاری انسان دارد. توبه افزون بر بخشش گناهان، موجب ریزش نعمت الهی و فزونی فرزندان و اموال و برخوردارگی از باغ‌های آباد و نه‌های جاری خواهد شد (هود: ۵۲؛ نوح: ۱۰-۱۲).

آیات فراوانی که به موضوع توبه پرداخته‌اند، آثار و نتایج آن را نیز یادآور شده‌اند و انجام این فضیلت قرآنی به نتیجه فعل اخلاقی معلل شده است؛ از آن روی که بدی‌های انسان گناهکار با استغفار و توبه بخشوده می‌شود و وی از مجازات رفتار بد رهایی می‌یابد و به تعبیر قرآن، در مواردی نیز توبه موجب می‌شود تا حسنات و خوبی‌ها، جایگزین بدی‌ها شوند (فرقان: ۷۰).

ی) رضا و غضب: رضا ضد سخط و به معنای خشنودی است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۳۲۳). «غضب» به معنای جوشش و غلیان خون قلب برای انتقام است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۰۸) که در فارسی از آن به خشم تعبیر می‌شود. خشنودی و خشم خداوند دو عامل اساسی در ترغیب مؤمنان به انجام نیکی‌ها و دوری از بدی‌هاست و اساسی‌ترین معیار بندگی و تنها معیار در تعیین اخلاقی بودن افعال انسان است. واژه رضا و مشتقات آن ۷۳ بار در قرآن تکرار شده که ۳۵ بار به خداوند نسبت داده شده است. واژه غضب و مشتقات آن نیز ۲۴ بار در قرآن تکرار شده است. در میان کاربردهای قرآنی این واژه، بیست مرتبه درباره ناخشنودی خداوند از اعمال و رفتار انسان‌هاست.

در قرآن، خشنودی خداوند از رفتارهای انسان معیار اخلاقی بودن رفتار و اساسی‌ترین عامل رستگاری است. ایثار (بقره: ۲۰۷)، خویش‌داری (آل عمران: ۱۵) و انفاق (بقره: ۲۶۵)، از جمله رفتارهایی هستند که خشنودی الهی را در پی دارند. در قرآن از خشنودی الهی به بهشت رضوان تعبیر شده است و مؤمنانی از این بهشت بهره‌مند خواهند شد که از مراتب و مدارج والای ایمان و عمل صالح برخوردار باشند. در آیه ۷۲ سوره توبه ابتدا از بهشت مادی و جاودانگی آن سخن به میان آمده است: «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ» و در فراز دوم آیه، خشنودی الهی به عنوان بهشت رضوان مدار توجه قرار می‌گیرد: «وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»؛ و این بهشت در مقایسه با بهشت مادی، بزرگ‌ترین، و باریابی به این بهشت رستگاری عظیم خوانده می‌شود: «هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» که در انتظار پارسایان است.

بر اساس آیه یادشده و مانند آن (آل عمران: ۱۵)، در نظام اخلاقی قرآن، انگیزه مؤمنان در انجام فعل اخلاقی، رسیدن به نتایجی است که از سوی خداوند بشارت داده شده است؛ هرچند هدف مؤمنانی که در مراتب عالی ایمان قرار دارند، باریابی به بهشت رضوان الهی است.

در منطق اخلاقی قرآن، ناخشنودی خداوند از بندگان خود، سخت‌ترین مجازات محسوب می‌شود. خداوند در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران، اهل کتاب را به دو گروه مؤمن و فاسق تقسیم می‌کند و پس از اشاره به برخی اوصاف زشت فاسقان می‌فرماید: «بَاؤُ بَغْضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ؛ آنان سزاوار خشمی از سوی خدا شده‌اند و شقاوت و نگون‌بختی سرنوشت دائمی آنان است» (آل عمران: ۱۱۲). «سخط» در کاربست‌های قرآنی مرادف غضب، به مفهوم نارضایتی است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۳۱۲). سخت و مشتقات آن چهار بار در قرآن تکرار شده و تنها یکی از کاربردهای آن به خداوند منتسب نشده است؛ و در سه آیه دیگر، خشم الهی به‌عنوان پیامد و عقوبت رفتارهای ناشایست معرفی شده است. بر اساس آیه‌های قرآن، جهنم (آل عمران: ۱۶۲)، عذاب بی‌پایان (مائده: ۸۰) و نابودی اعمال، مجازات کسانی است که رفتارشان موجبات سخت الهی را فراهم آورد. در این دسته از آیات نیز شاهد تصریح قرآن بر سازگاری غایت‌گرایی اخلاقی و قرآن و نقش پیامدهای رفتارهای انسان در انجام دستورات اخلاقی هستیم. «مقت» در لغت به مفهوم بغض یا بغض شدید نسبت به کار زشت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۷۷۲؛ طریحی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۲۱). این واژه و مشتقات آن شش بار در قرآن تکرار شده است. در دومین آیه سوره صف آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» و در آیه بعد می‌خوانیم: «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ؛ نزد خدا به‌شدت موجب خشم است که چیزی را بگوئید که خود عمل نمی‌کنید» (صف: ۳). «مقت» در معنایی مرادف با دو واژه غضب و سخت، بیانگر پیامد ردایل اخلاقی و بازگوکننده نقشی است که خشم الهی در بازدارندگی ردایل اخلاقی دارد.

ک) سبقت، سرعت و تنافس: این واژگان به‌معنای شتاب، سبقت و پیشی گرفتن در خوبی‌ها، از واژگان قرآنی در حوزه تربیت اخلاق و بیانگر کیفیت و چگونگی انجام فضایل اخلاقی‌اند. به‌کارگیری واژگان یادشده و مشتقات آن به‌منظور ترغیب مؤمنان به انجام خوبی‌ها و پیشی گرفتن از دیگران است. در قرآن پس از معرفی خوبی‌ها و بدی‌های اخلاقی و بیان تفصیلی نتایج و آثار خوبی‌ها و بدی‌ها، برای ایجاد انگیزه و تهییج مؤمنان به زیست اخلاقی، از واژگانی مانند سرعت و سبقت استفاده شده است. در سوره مطفین، آیات ۲۲-۲۶ ابتدا به جایگاه نیکان (ابرار) و توصیف بهشت و نعمت‌های بهشتی می‌پردازد و در ادامه می‌فرماید: «وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ»؛ برای رسیدن به چنین نعمت‌ها و لذت‌هایی، رقابت‌کنندگان باید از یکدیگر پیشی گیرند. قرآن در آیه ۱۳۳ سوره آل عمران، با فعل امر «وَسَارِعُوا» مخاطبان را به شتاب و سرعت در رسیدن به بهشت و بخشش الهی ترغیب می‌کند و در آیه ۲۱ سوره حدید با فعل امر «سَابِقُوا» دستور می‌دهد تا برای رسیدن به مغفرت و بهشت، از یکدیگر پیشی گیرند. نکته حائز توجه آن است که عامل انگیزشی در آیاتی که مؤمنان را به سرعت و مسابقه فرامی‌خواند،

نتایج فعل اخلاقی است؛ چنان که در سوره مطفین، ابتدا یادآور می‌شود که: «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ» و در پایان می‌فرماید: «وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَفَّسْ الْمُتَنَفِّسُونَ». پیش‌تر بیان شد که اسلوب تربیتی قرآن، شامل همه مراتب ایمانی می‌شود و مشوق ابرار و مقربان نیز دستیابی به نتایجی است که رفتار اخلاقی به دنبال دارد.

ل) سپاسگزاری: سپاسگزاری از مفاهیم عام اخلاقی قرآن و از جمله فضیلت‌های اخلاقی بازگوشده در قرآن و یکی از احکام اخلاقی است. پیش از وحی، عقل و فطرت انسان‌ها به شایستگی و بایستگی سپاسگزاری گواهی می‌دهند. بر اساس آیه ۷ سوره ابراهیم، شکرگزاری عامل فزونی نعمت، و ناسپاسی موجب عذاب شدید خواهد شد: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ». واژه شکر (سپاسگزاری) و مشتقات آن ۷۵ بار در قرآن تکرار شده است که ۶۹ مورد آن درباره سپاسگزاری بندگان از خداوند و نعمت‌های الهی است. در این آیات، خداوند با بیان آثار و نتایج مادی و معنوی شکر، مؤمنان را به انجام این فضیلت اخلاقی تشویق می‌کند. در کاربردهای قرآنی واژه شکر، در شش مورد، به سپاسگزاری خدا از اعمال خوب بندگان اشاره شده است: «فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۱۵۸). بدون شک، شکر خداوند به معنای اعطای پاداش است و عمومیت آن شامل پاداش دنیوی، اخروی، مادی و معنوی خواهد شد. در این آیات نیز رابطه رفتارهای اخلاقی و پیامدهای آن به‌وضوح خود را می‌نمایاند.

۳. پاداش و کیفر

پاداش و کیفر، ترجمه فارسی واژگانی مانند عقوبت، جزاء، جرم و انتقام است. در کاربردهای قرآنی، واژگانی چون وعد، وعید، بهشت، جهنم و نیز واژگان یا گزاره‌هایی که مشابهت معنایی با دو مفهوم پاداش و کیفر دارند، فراوانند و بر پیامدگروا بودن رویکرد اخلاقی قرآن تأکید می‌کنند.

واژه «جزاء» در اصل به معنای بی‌نیازی و کفایت است و پاداش را از آن‌رو جزا گفته‌اند که مطابق با عملی است که انجام گرفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۹۵). جزا و مشتقات آن ۱۱۸ بار در قرآن به معنای پاداش و مجازات اعمال به کار رفته است (مائده: ۳۹). جزا مرادف با واژگانی مانند غایت و عاقبت است. در کاربردهای قرآنی، این واژه همواره با تشویق‌ها و تهدیدهای الهی نسبت به پیامد اعمال خوب و بد انسان همراه بوده و بیانگر نتایج رفتارهای اخلاقی است: «فَأَتَاهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ» (مائده: ۸۵). در برخی آیات همراه با واژه جزاء، بر پاداش وصف‌ناپذیر بهشتیان تصریح شده است: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَأْخَفٍ لَهُمْ مِنْ قَرَّةٍ أَعْيِنَ جَزَاءَ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سجده: ۱۷).

واژه «عاقبت» و مشتقات آن ۶۴ بار در قرآن به مفهوم عقوبت و نتیجه اعمال آمده است. مفهوم لغوی این واژه مانند واژه جزا شامل پیامدهای بد و خوب می‌شود؛ اما در بسیاری از آیات، این واژه در فرجام تلخ و مجازات بدی‌ها به کار رفته است «وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ» (اعراف: ۸۴).

واژه «جرم» در لغت به معنای قطع کردن - چینیدن میوه از درخت - آمده است (فیروزآبادی، بی‌تا؛ جوهری، ۱۳۶۸، ذیل واژه جرم). به کارگیری واژه جرم برای گناه، استعاره است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ذیل واژه جرم). به

گناه از آن جهت جرم گفته می‌شود که مجرم انجام عمل واجبی را قطع می‌کند (طبرسی، ۱۴۰۸، ذیل آیه ۱۲۴ انعام). واژه جرم و مشتقات آن ۶۶ بار در قرآن آمده است. در بسیاری از این آیات، همراه با واژه جرم، مجازات و پیامدهای دنیوی و اخروی آن نیز یادآور می‌شود؛ چنان که در آیه ۱۴۷ سوره انعام، بر عذاب قطعی و بی‌بازگشت مجرمان تأکید شده است. آیه‌های ۵۵ سوره انعام و ۷۴ سوره طه و بسیاری از آیاتی که در آنها واژه جرم و مشتقات آن به کار رفته، سازگاری قرآن را با غایت‌گروی اخلاقی نشان می‌دهد.

واژه «جنت» (بهشت) و مشتقات آن ۷۱ بار در قرآن آمده است و به بهشت و ویژگی‌های آن اشاره شده است (بقره: ۸۲).

واژه «نار» (آتش دوزخ) و واژگان هم‌معنای آن، ۱۴۳ بار در قرآن تکرار شده و در بسیاری از موارد، بیانگر مجازات و نتایج فعل اخلاقی است (بقره: ۳۹).

در آیه‌های مربوط به بهشت و جهنم، با صراحت به منظور ایجاد انگیزه برای انجام خوبی‌ها و پرهیز از بدی‌ها، بر نتایج اخروی اعمال تأکید می‌شود. انتقام در لغت به معنای عقاب کردن است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۵۹۰، ذیل واژه انتقام). این واژه در فارسی به کین خواهی و کینه‌توزی معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل واژه انتقام). واژه انتقام و مشتقات آن، هفده بار در قرآن تکرار شده که در آنها از مجازات‌های سخت سخن به میان آمده است. در بسیاری از آیاتی که در آنها واژه انتقام به کار رفته، مجازات‌های دنیوی مورد نظر است (زخرف: ۵۵). میان این دسته آیات و نتیجه‌گروی نیز پیوندی وثیق وجود دارد.

واژه «وعد» به معنای مژده، نوید دادن، قول دادن و متعهد شدن است (دهخدا، ۱۳۷۳؛ عمید، ۱۳۷۱، ذیل واژه وعد) و شامل وعده به خیر و شر می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۷۶). در اصطلاحی رایج، از پاداش خوبی‌ها به وعده، و مجازات بدی‌ها به وعید تعبیر می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل واژه وعد). این واژه و مشتقات آن ۱۵۱ بار در قرآن آمده است. بسیاری از این موارد، بیانگر بشارت و تهدیدی است که خداوند درباره دستورات اخلاقی یادآور شده است (مائده: ۹؛ غافر: ۵۵) و شامل نعمت‌های مادی، معنوی، دنیایی و اخروی (نساء: ۱۲۲) می‌شود و مجازات جسمی و روحی، و بیم و امید را در دنیا (هود: ۸۱) و آخرت (کهف: ۵۸) دربر می‌گیرد. این آیات نیز سازگاری غایت‌گروی را با مکتب اخلاقی اسلام نشان می‌دهد.

«اختصاص نتایج عمل به فاعل آن»، از جمله اصول قرآنی است که آیات متعددی به تبیین آن اختصاص یافته است. این دسته از آیات نیز پرشمارند؛ مانند آیه «مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ» (بقره: ۱۱۰) و آیه «وَلَا تَرَوْا وَازِرَةً وَرِزًّا أُخْرَى... وَمَنْ تَرَكَى فَإِنَّمَا يَتَرَكَ لِنَفْسِهِ» (فاطر: ۱۸). در این آیات، افزون بر اثبات وجود رابطه‌ای اجتناب‌ناپذیر میان رفتار و پیامدهای ویژه هر یک از رفتارهای اخلاقی انسان، تأکید شده است که نتایج رفتار به انجام‌دهنده عمل اختصاص خواهد داشت.

گواهی خدا، پیامبران، معصومان، اولیای الهی و اعضا و جوارح انسان، از رخداد‌های روز رستاخیز و از مستندات قرآنی غایت‌گرایی قرآنی است. «یوم یقوم الاشهد» (مؤمن: ۵۱) از جمله اسم‌های قیامت است. در تعدادی از آیات

قرآن، گواهی خداوند بر تمام هستی مطرح شده که حدود بیست آیه حاوی تعبیر «اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (مجادله: ۶) است. در برخی آیات بر گواهی خداوند بر رفتارهای انسان تصریح شده است (یونس: ۴۶؛ آل عمران: ۹۸). در این آیات (بقره: ۱۴۳؛ نساء: ۴۱ و ۱۵۹؛ نحل: ۸۴ و ۸۹؛ حج: ۷۸؛ قصص: ۷۵) گواهی پیامبران، معصومان و اولیای الهی بر رفتار پیروان خود گزارش شده است. بر اساس آموزه‌های قرآنی، اعضا و جوارح از جمله شاهدانی هستند که در بارگاه الهی بر رفتارهای بد و خوب انسان گواهی می‌دهند (یس: ۶۵؛ فصلت: ۲۰).

بی‌شک گواهی خدا، معصومان، اعضا و جوارح انسان در قیامت، انعکاس تفصیلی و مشروح اعمال و رفتار انسان‌هاست؛ و این رخداد شگفت، به‌منظور محاسبه و جزا و پاداشی است که به اعمال تعلق می‌گیرد؛ از این رو این دسته آیات نیز بازگوکننده اهمیت نتیجه رفتار انسان در پابندی به الزامات اخلاقی است و بیش از هر چیز انطباق و سازگاری غایت‌گروی را با نظام اخلاقی قرآن بیان می‌کند.

ثبت دقیق رفتارهای اخلاقی، از جمله نکات مربوط به کيفر و مجازات الهی است. در شماری از آیات، قرآن موضوع ثبت رفتارهای انسان را یادآور می‌شود. در سوره زلزال، نتایج اعمال بیان می‌گردد و تأکید می‌شود که انسان در روز قیامت کمترین خوبی یا بدی‌ای را که انجام داده است، مشاهده می‌کند و هیچ عملی هرچند کوچک بی‌نتیجه نخواهد ماند (زلزال: ۱-۸). این اصل قرآنی در سوره عادیات، آیات ۹-۱۱، و سوره قارعه، آیات ۶-۱۱ تکرار شده است. دقت در ثبت رخدادهای زندگی انسان‌ها، موجب شگفتی مجرمان در قیامت می‌شود و آنان با دیدن صحیفه اعمال خود با حیرت و هراس می‌گویند: «يَا وَيَلَّتْنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يَغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا» (کهف: ۴۹). در سوره هود، آیه ۹۳ و سوره ق، آیه ۱۸ از فرشتگانی یاد شده است که مسئولیت آنان ثبت رفتار انسان‌هاست. ثبت جزئی‌ترین رفتارهای انسان و تأکید قرآن بر این موضوع، زمانی حائز اهمیت است که نتایج رفتارهای خوب و بد نقشی مؤثر در سعادت انسان داشته باشد و انسان را به انجام خوبی و پرهیز از بدی‌ها ترغیب کند.

۴. فراوانی کاربست‌های واژه عمل و واژگان مرادف

واژه «عمل» و مشتقات آن ۳۶۰ بار در قرآن تکرار شده است. در بسیاری از آیات، رابطه عمل و نتیجه خوب و بد آن مطرح نظر قرار گرفته است. در بسیاری از آیات قرآن، عمل و مشتقات آن در مجاورت ایمان - که امر درونی است - قرار می‌گیرد و نقش عمل را در رستگاری انسان نشان می‌دهد. در سوره بقره، آیه ۲۵، با ارائه تصویری شورانگیز از نعمت‌های بهشتی، به پاداش ایمان و عمل خوب اشاره می‌شود. در سوره ابراهیم، آیه ۴۲، این نکته یادآوری می‌شود که خداوند هرگز از عمل ستمکاران غافل نخواهد بود و مجازات سخت اعمال کافران را گوشزد می‌کند.

واژه «فعل» و مشتقات آن، که در معنایی مرادف با عمل به کار رفته، ۱۰۸ بار در قرآن آمده و در بسیاری از موارد رابطه فعل و نتایج مادی، معنوی، دنیوی و اخروی بیان شده است. ذلت و خواری در دنیا و شدیدترین عذاب در آخرت، از پیامدهایی است که در سوره بقره، آیه ۸۵ برای اعمال بد گزارش شده است. این عذاب هولناک برای

کسانی است که بخشی از کتاب الهی را می‌پذیرند و برخی از آن را انکار می‌کنند. در آیه ۱۹۷ سوره بقره، آگاهی خداوند از رفتارهای خوب انسان، مشوق مخاطبان به انجام خوبی‌هاست؛ از آن رو که پس از اذعان به آگاهی خداوند، آدمی درمی‌یابد که خداوند خوبی‌های او را بی‌پاسخ نمی‌گذارد؛ بلکه در برابر تنها یک خوبی، ده برابر پاداش خواهد داد؛ چنان که در آیه ۱۶۰ سوره انعام آمده است: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا».

واژه «صنع» مرادف و مشابه عمل در قرآن است (طریحی، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۳۶۰). برخی لغویان آن را کاری دانسته‌اند که به‌خوبی انجام گیرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۵۵). مشتقات این واژه سه بار در قرآن آمده است. «فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل: ۱۱۲). در این آیه، گرسنگی و هراس به‌عنوان پیامد و مجازات ناسپاسی بیان شده است. در آیه ۴۵ سوره عنکبوت برای تشویق انسان‌ها به رعایت الزامات اخلاقی، بر آگاهی خداوند از عمل انسان تأکید شده است (عنکبوت: ۴۵).

نتیجه‌گیری

۱. یکی از بنیادی‌ترین مسائل فراروی فیلسوفان اخلاق، توجیه ارزش اخلاقی است. نظریه‌های اخلاقی پاسخی است عام و فراگیر، که هریک از نظام‌های اخلاقی برای توجیه همه ارزش‌های اخلاقی بیان می‌کنند. پاسخ‌های گوناگون ارائه‌شده به این پرسش، موجب پیدایش سه گروه نظریه‌های هنجاری، وظیفه‌گرا، غایت‌گرا و فضیلت‌محور شده است.

۲. پاسخ ارائه‌شده از سوی نظام‌های اخلاقی، به‌مثابه علت غایی برای ارزش اخلاقی است. علت غایی هرگز نمی‌تواند متعدد باشد. از این رو هر یک از مکتب‌های اخلاقی برای توجیه ارزش اخلاقی، تنها یک علت را بیان کرده‌اند. مکتب‌های اخلاقی غایت‌گرا آن علت را رسیدن به نتایج خوب می‌دانند. آنان رفتاری را دارای ارزش اخلاقی می‌دانند که فرد را به نتایج خوب رهنمون سازد. مکتب‌های وظیفه‌گرا انجام وظیفه را عام‌ترین دلیل برای ارزش اخلاقی می‌دانند؛ و «نایامدگرایی» فصل مقوم و وجه تمایز وظیفه‌گرایی از نظریه‌های غایت‌گرا و فضیلت‌محور است. مکتب‌های اخلاقی فضیلت‌محور در توجیه ارزش اخلاقی، رفتارهایی را دارای ارزش اخلاقی می‌دانند که برخاسته از فضیلت نفسانی باشد.

۳. آموزه‌های قرآنی نشان می‌دهد که در نظام اخلاقی اسلام بر نتایج فعل اخلاقی تکیه شده و غایت فعل اخلاقی، عام‌ترین توجیه ارزش اخلاقی است؛

۴. قرآن برای تشویق مخاطبان خود به زندگی اخلاقی، بر نتایج فعل اخلاقی تأکید می‌کند؛ که بازگوکننده سازگاری فی‌الجملة اخلاق قرآنی با نظریه‌های غایت‌گراست. افزون بر آن، غایت‌گرایی با انسان‌شناسی و اسلوب‌های تربیت اخلاقی قرآن نیز سازگار است؛

۵. پس از تبیین سازگاری اخلاق اسلامی با نظریه‌های غایت‌گرا - با استناد به آموزه‌های قرآنی - می‌توان گفت: آن دسته از آیات محدود قرآنی که در آنها بر اهمیت عمل بر اساس وظیفه یا فضیلت انسانی اشاره شده، بیانگر

اهداف ابتدایی و اهداف متوسط افعال اخلاقی هستند، نه علت غایی. فضیلت‌محوری و تکلیف‌مداری دو راهبرد مؤثر در تربیت اخلاقی است؛ اما عام‌ترین پاسخ قرآن، برای توجیه همه الزامات اخلاقی، غایت فعل اخلاقی است؛ نه فضیلت انسانی و نه وظیفه اخلاقی.

۶ آنچه در این پژوهش قرآن‌بنیاد تبیین و بر آن تأکید شده، نوعی قرابت و سازگاری نظریه اخلاقی اسلام با نظریه‌های غایت‌گراست؛ اما تفاوت‌هایی نیز میان این دو وجود دارد که نیازمند تقریری متفاوت از غایت‌گرایی با عنوان غایت‌گرایی قرآنی است.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای نمونه، می‌توان به مقاله «نظریه‌های اخلاقی»، ویلیام برنارد؛ «نظریه‌های اخلاقی»، ۱۲۸۲، ترجمه ابراهیم دینانی‌نسب، مجله تردید ش ۳، ص ۱۲-۱۵؛ و مقالات فراوان ارائه‌شده در «دانشنامه فلسفه اخلاق پل ادوارد»، ۱۳۹۲، ترجمه ماشاءالله رحمتی، اشاره کرد. در برخی مقالات آیت‌الله صادق لاریجانی، مانند: «نظریه‌ای در تحلیل الزامات اخلاقی و عقلی» و نیز مقاله‌ای با عنوان «الزامات عقلی و اخلاقی» تقدیمی پیرامون غایت‌گرایی وجود دارد (محمدصادق لاریجانی، ۱۳۸۲، پژوهش‌های اصولی، ش ۶، ص ۶-۲۵). در برخی نگاه‌شده‌های شهید مطهری، مانند دومین و پنجمین مجلد مجموعه آثار و کتاب فلسفه اخلاق، شاهد اشاره‌ها و تقدیمی در باب نظریه‌های اخلاقی هستیم. در مقاله‌ای با عنوان: «بررسی نظریه فلسفه اخلاق آیت‌الله مصباح یزدی و نسبت آن با توحید»، تدوین یحیی عبدالله‌ی و علی محمدی، شماری از شبهات غایت‌گرایی بررسی شده است (دوفصلنامه اخلاق وحیانی، سال دوم، ش ۶). در نشست با حضور مجتبی مصباح یزدی در فرهنگستان علوم اسلامی، دیماه ۱۳۹۵، غایت‌گرایی بررسی و نقد شده است. وظیفه‌گرایی اخلاقی، نمونه دیگری از پژوهش‌های انجام شده در باب نظریه‌های هنجاری است (حسین اترکه اخلاق در علوم و فناوری، ۱۳۹۸، ص پنجم، ش ۱، ص ۳۵-۳۷). پایان‌نامه‌های متعددی نیز در این باره تدوین شده است؛ مانند: ۱. پایان‌نامه کارشناسی ارشد «ربط و نسبت حسن و قبح ذاتی با غایت‌گرایی و وظیفه‌گرایی در اخلاق»، سیدجلال‌الدین محقق، دانشگاه الهیات و معارف اسلامی، ۱۳۹۳؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد: «تحلیل و بررسی منشأ ارزش اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبایی، شهید مطهری، استاد آیت‌الله مصباح یزدی»، احسان ترکاشوند، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰. در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی جدید به مناقشه فردگرایی و جمع‌گرایی در جامعه‌شناسی» چالش‌های نظریه‌های نتیجه‌گرای خودگرا با مبانی جامعه‌شناختی، مدار بررسی قرار گرفته است (محمدرضا جوادی و سیدضیاء هاشمی، ۱۳۸۷، نامه علوم اجتماعی، ش ۳۳، ص ۱۶۹-۱۳۰). در مقاله‌ای با نام «اخلاق پیامدگرا، در جستجوی ابعاد نتیجه‌گراونه اخلاق اسلامی»، از باهت سازگاری نتیجه‌گرایی با اخلاق اسلامی سخن رفته است. نویسنده غفلت از این سازگاری را، یکی از دلایل نابسامانی اخلاق در جوامع اسلامی می‌داند (حمیدرضا مظاهری سیف، ۱۳۸۷، پگاه حوزه، ش ۳۴۵). علی شیروانی در نوشتاری با عنوان «ساختار کلی اخلاق اسلامی» با صراحت می‌نویسد: مکتب اخلاقی اسلام غایت‌گراست، نه وظیفه‌گرا (قیسات، ۱۳۷۸، ش ۱۳، ص ۴۳-۳۸). در مقاله‌ای با نام «نظریه برین سودگرایی در اخلاق و تطبیق آن با نظریه سودگرایی»، نگاه‌شده منصور نصیری، سازگاری نتیجه‌گرایی با نظام اخلاقی اسلام مدار بررسی و تحلیل شده است. در چکیده مقاله آمده است: سودگرایی اخلاقی از جمله نظریه‌های بسیار مهم در غایت‌شناختی در فلسفه اخلاق است. وی ضمن اشاره به چالش‌های فراروی نظریه‌های غایت‌گرا، اذعان می‌کند که از نظر نگارنده نظریه برین برگرفته از منابع اسلامی، تقریری پذیرنده از سودگرایی ارائه می‌دهد، بی‌آنکه چالش‌های فراروی سودگرایی متوجه این تقریر گردد (پژوهش‌نامه اخلاق، ۱۳۸۹، ش ۹، ص ۲۶-۹).

۲. در میان اصطلاحات رایج در فلسفه اخلاقی، نتیجه‌گرایی اخلاقی (Conclusion)، پیامدگرایی (Consequence)، غایت‌گرایی (Reaching)، در معنایی مرادف و مشابه، بیان‌گر یکی از نظریه‌های هنجاری در فلسفه اخلاق هستند.

۳. تفاوت و مشتقات آن ۱۲ بار در ۷ سوره و ۱۲ آیه تکرار شده است.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، امیرالمؤمنین علیه السلام.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷، *النهاية في غريب الحديث و الاثر*، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- ابن فارس، ابوالحسن احمد، ۱۴۰۴، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد، ۱۴۱۴، *لسان العرب*، چ سوم، بیروت، دار صادر.
- امید مسعود، ۱۳۸۱، *درآمدی بر فلسفه اخلاق از دیدگاه متفکران مسلمان معاصر ایران*، مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی - انسانی دانشگاه تبریز.
- پالمر، مایکل، ۱۳۸۵، *مسائل اخلاقی*، ترجمه علیرضا آل بویه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- جرجانی، علی بن محمد، ۱۴۰۵، *التعريفات*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۶۸، *الصحاح*، تهران، امیری.
- خزاعی، زهرا، ۱۳۸۰، «اخلاق فضیلت‌مدار»، *نامه مفید*، ش ۲۸، ص ۴۱-۶۴.
- دبیری، احمد، ۱۳۹۰، *تبیین نظریه اخلاقی قرآن کریم و مقایسه آن با فضیلت‌گرایی در اخلاق*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- دراز، محمد عبدالله، ۱۴۲۳، *دستور الأخلاق فی القرآن*، قم، دار الکتب الإسلامی.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، *لغت‌نامه*، تهران، دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دار العلم الدار الشامیه.
- شریفی، حسین و محمدحسین باقری، ۱۳۸۹، «ارزش‌های اخلاقی و خودگروایی روان‌شناختی»، *معرفت اخلاقی*، ش سوم، ص ۳۷-۴۲.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۰۸، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار الفکر.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۶۷، *مجمع البحرین*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- علم‌الهدی، علی بن حسین، ۱۴۱۱، *الذخیره فی علم الکلام*، تحقیق سیداحمد حسینی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- عمید، حسن، ۱۳۷۱، *فرهنگ عمید*، تهران، امیرکبیر.
- فرانکنا، ویلیام کی، ۱۳۸۳، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، تهران، طه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۳۷۲، *توتیب کتاب العین*، قم، جامعه مدرسین.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، بی تا، *القاموس المحيط*، بیروت، دار الجیل.
- قرشی، سیدعلی اکبر، ۱۳۸۶، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- کاپلستون، فردریک، ۱۳۷۰، *تاریخ فلسفه*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، سروش.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۱۳، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۴، *الف، اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- _____، ۱۳۸۴، *ب، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- _____، ۱۳۸۶، *خودشناسی برای خودسازی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- _____، ۱۳۷۳، *دروس فلسفه اخلاق*، تهران، اطلاعات.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷، *مجموعه آثار*، چ چهارم، تهران، صدرا.
- _____، ۱۳۷۴، *مجموعه آثار*، چ ششم، تهران، صدرا.

معلمی، حسن، ۱۳۸۴، *فلسفه اخلاق*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.

مک ناوتن، دیوید، ۱۳۸۰، *بصیرت اخلاقی*، ترجمه محمود فتحعلی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
ملاحسنی، فاطمه، سعیدی‌مهر، محمد و رضا اکبریان، ۱۳۹۲، «کمال‌گرایی اخلاقی، در بوته نقد»، *اندیشه دینی* (دانشگاه شیراز)،
ش ۴۸، ص ۴۷-۶۴

نیگل، تامس و دیگران، ۱۳۹۳، *دانشنامه فلسفه اخلاق*، ویراسته پل ادواردز و دونالد ام. بورچرت، تهران، سوفیا.

هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۷۹، *فرهنگ قرآن*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

Hurka, Thomas, (۱۹۹۳), *Perfectionism*, New York: Oxford University Press.

Mackinnon. Barbara' 1998' *Ethics Theory and Contemporary' Issues* Stamford: Wadsworth.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی